

## **Confrontation of Translators in Transferring Facts into Russian Translation of the *Epic of Narts***

**(Based on the Translation by A. A. Dzantiev, T.A. Hamitsaeva)**

**Maryam Shafaghi\***

### **Abstract**

The epic of Narts is based on the folklore of the Ossetian and the causes of its people's pride. In this research, the equivalent of cultural and historical names and facts in the Russian translation of the text by A. A. Dzantiev and T. A. Hamitsaeva have been studied. Changing the writing alphabet of Ossetian language to Cyrillic in 1954 caused phonetic changes, especially in the specific names of the Ossetian. Both translators are Ossetian and fluent in the Russian language. They have tried in many cases to keep the fact in their own language. In the text of the translation, we see that even the equivalent words have been preserved in the original language of the text due to the cultural burden and the importance of the age and social hierarchy in that culture. The sounds are entirely in the Ossetian translation text. In translating proverbs, although in some cases translators rely on Russian equivalents, there are also examples of word-for-word translation. In translating units of measurement, translators used obsolete Russian words.

**Keywords:** Epic of Narts, Russian Translation, Facts, Words without Equivalents, Historical Facts of Group Life

---

\* Associate Professor of Russian Language, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, shafaghi@atu.ac.ir

Date received: 2020-05-09, Date of acceptance: 2020-09-18

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها (براساس ترجمه آ. آ. دزانتیف، ت. آ. هامیتسایوا)

مریم شفقی\*

### چکیده

حماسه نارت‌ها برگرفته از ادبیات فولکلور مردم اوستیا و مایه فخر و غرور آن مردم است. در پژوهش پیش‌روی، به بررسی معادل اسامی و واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی در ترجمه روسی متن به قلم آ. آ. دزانتیف و ت. آ. هامیتسایوا می‌پردازیم. سیریلیک‌شدن الفبای نگارش زبان اوسی در سال ۱۹۵۴ موجب تغییرات آوایی، به‌ویژه در اسامی خاص فرهنگ زبان آسی شده است. مترجمان که هر دو دارای ملیت اوستیایی هستند و مسلط به زبان روسی، در بسیاری موارد کوشیده‌اند واقعیت‌ها را به‌زبان اصلی نگاه دارند: در متن ترجمه شاهدیم که حتی واژگان دارای معادل به‌دلیل بار فرهنگی و اهمیت سلسله‌مراتب سنی و اجتماعی در آن فرهنگ به زبان اصلی متن نگاه داشته شده‌اند. اصوات یک‌سره در متن ترجمه به زبان آسی هستند. در برگردان ضرب‌المثل‌ها، هرچند در پاره‌ای موارد مترجمان بر معادل‌های روسی تکیه دارند، نمونه‌هایی از ترجمه واژه‌به‌واژه نیز مشاهده می‌شود. در برگردان واحدهای اندازه‌گیری، مترجمان از واژگان منسوخ روسی بهره برده‌اند. در ایران، مبنایی برای دانش «نارت‌پژوهی» یا «نارت‌شناسی» وجود ندارد، لیک در قفقاز شمار بسیاری نقد در زمینه حماسه نارت‌ها نگاشته شده است که دو مقاله با

\* دانشیار زبان روسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

shafaghi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

عنوان‌های «برخی ویژگی‌های گویش‌شناسی متون حماسه پهلوانان چرخس نارت‌نامه» (Берсиров Хазретовна: 2018) و «بازتاب واژگان اجتماعی و سیاسی در حماسه نارت» (Жилетежев Бухуров: 2015) با رویکرد بررسی ویژگی‌های زبان‌شناختی از آن جمله‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** حماسه نارت‌ها، ترجمه روسی، واقعیت‌ها، واژگان بدون معادل، واقعیت‌های تاریخی زندگی گروهی.

## ۱. مقدمه

مجموعه حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها شامل دوره سه‌جلدی است. این مجموعه در پی برنامه اتحاد جماهیر شوروی برای گردآوری مجموعه «حماسه ملل اتحاد شوروی» که در سال ۱۹۷۱ دستور آن صادر شد، آغاز و در نهایت، در سال ۱۹۸۹ منتشر شد. در اجرای این پروژه پژوهشی گسترده، مؤسسات آموزشی و پژوهشی متعددی از جمله انستیتو ادبیات جهان به نام آ. م. گورکی [Институт мировой литературы им. А.М.Горького]، انستیتو علمی - تحقیقاتی اوستیای شمالی در علوم تاریخ، فیلولوژی و اقتصاد [Северо-осетинский научно-исследовательский институт истории филологии и экономики]، آکادمی علوم جمهوری گرجستان [Академия науки Грузинской ССР] و انستیتو علمی - تحقیقاتی اوستیای جنوبی [Юго-осетинский научно-исследовательский институт] شرکت داشتند. جلد آغازین به مقاله‌ای از و. آ. آبایف [В.И.Абаев]، زبان‌شناس به نام در زبان اوسی (اوستیایی / آسی) و نویسنده دوره چهارجلدی فرهنگ واژگان اوسی، مزین شده است. در این جلد، هم‌چنین متن‌های افسانه‌های طنز، افسانه‌های دیگوری، و افسانه‌هایی از اوستیای جنوبی آمده است. متن‌های طنز را آ. آ. دزانتیف [А. А. Дзантиев] و متن‌های دیگوری [дигорские тексты] را ت. آ. هامیتسایوا [Т. А. Хамицаева] به روسی برگردانده‌اند.

کتاب دوم برگردان حماسه از زبان اوسی به روسی و کتاب سوم رمزگشایی موسیقایی متن‌ها و مقاله‌ای درباره‌ی راویان افسانه‌ها و نیز تفسیری بر کتاب دوم و واژه‌نامه واقعیت‌های فرهنگی قوم نارت است. نظارت علمی بر روند گردآوری حماسه نارت‌ها بر عهده آ. آبایف و هماهنگی تنظیم افسانه‌ها بر عهده ت. آ. زامیتسایوا و آ. خ. بیازیرف [А. Х. Бязыров] بوده است. حماسه نارت‌ها نخستین و قدیمی‌ترین متن کهن از قهرمانان و پهلوانان اوستیا است که یافته‌های قومیت‌شناسی، ملیتی، و فرهنگی از آن مردم به دست می‌دهد و از این نظر، برای پژوهش‌گران، تاریخ‌شناسان، و فرهنگ‌پژوهان مهم است.

مواد پژوهش پیش‌رو جلد دوم ترجمه روسی حماسه نارت‌ها است. موضوع پژوهش واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی مردم نارت براساس متن حماسه نارت‌ها است. روش پژوهش نظارت بر ساختار زبانی برگرفته از نام‌های واقعیت‌ها در متن اصلی و مقایسه آن با ترجمه روسی و تحلیل معنایی برپایه متن ترجمه روسی است. هدف از این پژوهش عرضه فهرستی از آن دسته نام‌های خاص در متن اصلی حماسه نارت‌ها و بررسی شیوه برگردان آن‌ها به زبان روسی است که بر واقعیت‌ها (واژگان بدون معادل) دلالت دارند. در این مسیر کوشیده‌ایم عملکرد مثبت مترجمان و نیز نقص‌های پیش‌آمده در روند کار را دریابیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

نام‌شناسی دانشی جدید در علم زبان‌شناسی است که در شاخه واژه‌شناسی جای می‌گیرد. فهم نام‌های خاص و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی روشن در بین گویشوران یک فرهنگ و یک زبان تا زمانی که در میان آنان به‌کار می‌روند، به‌هیچ‌روی پدیده‌ای پیچیده و دشوار نیست. دشواری آن‌جایی آغاز می‌شود که این نام‌ها از زبان گویشوران فرهنگی به زبان گویشوران فرهنگ دیگری برگردانده می‌شوند. این پدیده زبانی در علم زبان‌شناسی با نام «واقعیت‌ها» [реалии] یا «واژگان بی‌معادل» شهرت دارد. درخصوص راه‌کارهای برگردان اسامی خاص، بیش‌ترین گرایش به انتخاب معادل است. زبان‌شناسان عموماً از سه روش اصلی برای انتقال اسامی خاص در ترجمه به شکل ذیل نام می‌برند: ۱. حرف‌نویسی [транслитерация]؛ ۲. آوانگاری (آوانویسی) [транскрипция]؛ ۳. ترجمه تحت‌اللفظی [калькирование]. به‌روش‌های فوق در ترجمه اسامی خاص از واقعیت‌های یک زبان به زبان دیگر، در مقالات بسیاری، از جمله نوشته‌های ناتالیا شیگلوا (Шеглова 2014)، آناستاسیا گوریووا (Гуреева 2016)، ماکسیم آریول (Орел 2008) و ... اشاره شده است. در روش حرف‌نویسی، اسامی خارجی با کمک حروف الفبای زبان مقصد (زبان ترجمه) و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های آوایی آن ضبط می‌شود؛ در روش آوانویسی، انتقال آوایی نام به همان صورت که در زبان بیگانه وجود دارد انجام می‌شود. در روش ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه واژه‌به‌واژه و جزء‌به‌جزء (تحت‌اللفظی) اسامی خاص انجام می‌شود (Шум 2014: 211). از مسیر آوانگاری، اسامی در زبان مقصد ممکن است با همان صورت آوایی زبان مبدأ تحکیم یابند و از همین طریق وارد زبان مقصد شوند. سیدوا در پایان نامه دکتری خود، دشواری‌های ترجمه واقعیت‌های فرهنگی (بر پایه آثار ادبی)، در فصل نخست

به مطالعه مفاهیم «واقعیت‌های فرهنگی»، به ترتیب مفاهیم واقعیت‌ها، طبقه‌بندی آن‌ها و ابزار درک آن واقعیت‌ها، و سپس در فصل دوم، به مؤثرترین روش‌های ترجمه این واقعیت‌ها و روش‌های محوری در ترجمه مقایسه‌ای و بسامدی واقعیت‌ها می‌پردازد (Седова 2017). ی. آ. بوروا در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه واقعیت‌های متون ادبی و علمی (برپایه زمان - زندگی‌نامه س. ب. اسمیت «ملکه»» واقعیت‌ها و ترجمه آن در متون ادبی و علمی را بررسی می‌کند (Бурова 2017). در مجموع، مقالات و آثار علمی بسیاری در حوزه واقعیت‌ها نگاشته شده‌اند، لیکن مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته براساس متن حماسه نارت‌ها عبارت‌اند از:

- جلد سوم حماسه نارت‌ها که پیوستی برای توصیف و توضیح واقعیت‌های تاریخی - فرهنگی، اسامی خاص، گونه‌های مختلف اسامی خاص، اسامی جغرافیایی، توضیحات افسانه‌ها و اطلاعات مربوط به راویان افسانه‌هاست. این جلد در موضوع پژوهش، داده‌های ارزش‌مندی از متن در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

- فرهنگ واژگان دوجلدی اوسسی - روسی - انگلیسی به ویرایش ت. آ. گوریف (Гуриев 2015, 2013).

### ۳. واقعیت‌ها و راه‌کارهای ترجمه آن‌ها

پیوستگی زبان با فرهنگ آن‌جایی آشکار می‌شود که برای برگردان واژگانی که دربردارنده مفاهیم فرهنگی یک ملت‌اند، مترجم با دشواری مواجه می‌شود. به عبارتی، این دشواری‌ها در روند ترجمه و برگردان به زبان گویشوران فرهنگ دیگری آشکار می‌شوند، آن‌جا که مترجم برای تعیین معادل راه‌کاری در زبان مقصد نمی‌یابد و ناگزیر به آوردن آن واژه در زبان مقصد می‌شود. توضیح این واژگان هرچند در زبان مبدأ، به دلیل آن‌که گویشوران آن زبان با آن نمادهای فرهنگی آشنایی دارند، نابه‌جا و اضافی می‌نماید، به همان اندازه در زبان مقصد توضیح مترجم در کنار نویسنده اصلی متن درباره آن‌ها ضروری و مبرم و کاملاً به‌جاست.

ل. ج. لپیووا به نقل از ی. م. ویریشاگین [E. M. Верещагин] و و. گ. کاستاماروف [В. Г. Костомаров] از این دسته از واژگان به عنوان «واژگان بی‌معادل» [безэквивалентная лексика] نام می‌برند: واژگان بی‌معادل واژگانی هستند که برای بیان مفاهیمی به کار می‌روند که در فرهنگ دیگر و زبان دیگری وجود ندارند و از عناصر فرهنگی خاص به حساب می‌آیند، یعنی فقط در یک فرهنگ وجود دارند و در فرهنگ دیگر یافت نمی‌شوند و

هم‌چنین واژگانی که دارای معادل ترجمه در زبانی نیستند و از معادلی خارج از محدوده زبانی خود که بدان تعلق دارند، برخوردار نیستند (Латышова 2016: 414).

ترجمه‌ناپذیری «واقعیت‌ها» دلیلی بر جدایی‌ناپذیری فرهنگ از زبان است و وجود خود این واقعیت‌ها ارزش زیبایی‌شناسی [эстетическая ценность] زیادی به اثر ترجمه می‌بخشد. تنوع دیدگاه‌ها درباره دشواری معنای نام هم درخصوص فیلسوفان و هم زبان‌شناسان به شکل‌گیری چندین دیدگاه در این خصوص منجر شده است: برخی پژوهش‌گران بر این باورند که نام‌ها فاقد مفهوم‌اند. گروه دیگری برای اسامی خاص معانی گسترده‌تری در مقایسه با نام‌های عام قائل‌اند. گروه سوم از پژوهش‌گران نیز تاحدی با نظرات گروه اول و دوم هم‌عقیده‌اند (Плешков 2017: 71).

عموماً در ترجمه واقعیت‌های فرهنگی که برای فرهنگ دیگری قابل‌درک نیستند، مترجم لازم می‌داند از نظام آوانگاری [транскрипция] به زبان مادری فرهنگ مقصد یا الفبای یک زبان بین‌المللی شناخته‌شده در میان آن فرهنگ استفاده کند. اما در ترجمه متن، همیشه نمی‌توان معادلی برای نام‌ها، مخصوصاً نام پدیده‌های خاص یافت. وظیفه مترجم برحذر بودن از دست‌رفتن معنایی، کاربرد شناختی، و سبکی کلام تاحدممکن در روند ترجمه است. این نام‌ها دربردارنده تابلو و تصویری روشن از فرهنگ زبانی و رساننده رشد تاریخی و اجتماعی آن فرهنگی هستند که به زبان مقصد ترجمه می‌شود (Седова 2017: 4-8). از همین روی، وظیفه مترجم حفظ ویژگی ملی و تاریخی زبان است (Вяткин 2017: 146). واقعیت‌ها می‌توانند بر مفاهیم جغرافیایی [Географические реалии]، قوم‌شناسی [Этнографические реалии]، شامل مقوله‌هایی چون فرهنگ، هنر، قومیت، واحدهای اندازه‌گیری، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و سیاسی [Общественно-политические реалии] تقسیم شوند (Седова 2017: 8-12). از آن‌جاکه واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی مردم دیگر برای زبان مقصد درک‌نشده است، معمولاً مترجم در پی نوشت یا در قالب واژه‌نامه‌ای، یا هر دو آن‌ها به موازات هم، آن واقعیت‌ها را به‌نحوی توضیح می‌دهد تا از این راه، خوانش و درک متن برای خوانندگان آسان شود. از همین روی است که ترجمه روسی متن حماسه نارت‌ها لزوم وجود پیوست آن، یعنی «جلد سوم» را، که در آن این توضیحات وارد شده است، ضروری و به‌جا و شایسته کرده است.

پیشینه پژوهش‌های زبانی صورت‌گرفته بر روی حماسه پهلوانان نارت عبارت‌اند از مقالاتی با عنوان‌های «برخی ویژگی‌های گویشی متن‌های حماسه پهلوانان چرکس نارت‌ها» (Берсиров Анисек 2018)؛ «غای حماسه نارت چرکس در اصطلاحات و عبارت‌های

ثابت» (Тугузов 2018)؛ پایان‌نامه دکتری با عنوان ویژگی‌های زبانی و سبک حماسه نارت کاراچایی - بالکاری (Этезова 2008).

#### ۴. حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها/نارت‌نامه (НАРТЫ: Осетинский героический эпос)

##### ۱.۴ ساختار آوایی و زبانی واقعیت‌ها در متن حماسه نارت‌ها

نارت‌نامه نامی است که استاد میرجلال‌الدین کزازی بر این حماسه نهاده است (کزازی ۱۳۹۸: ۱۵-۳). بن‌مایه‌های فرهنگی حاوی اطلاعات مردم‌شناسی، قوم‌شناسی، و فرهنگ‌شناسی از مردم قفقاز در سرتاسر متن حماسه نارت‌ها دیده می‌شود. مترجمان کوشیده‌اند آن واحدهای زبانی را که دربرگیرنده بار فرهنگی زبان مبدأ هستند تا حد امکان در زبان مقصد حفظ کنند و از این راه می‌توان گفت به ویژگی زیبایی‌شناختی سبکی در ترجمه دست یافته‌اند. درعین حال، این ویژگی ترجمه خوانش و درک متن را برای گویشور فرهنگ روسی دشوار ساخته است. از همین روی، آمدن توضیحات این واقعیت‌ها، پیش از هر ترجمه دیگری، در این کار ضروری می‌نماید؛ از همین روی، گردآورندگان و تنظیم‌کنندگان جلد سوم را آماده کرده‌اند.

در ترجمه روسی متن حماسه نارت‌ها، مترجمان در بسیاری موارد ترجیح داده‌اند حتی برای برخی واژگان که دارای معادل روشنی در فرهنگ مقصد بوده‌اند، همان صورت اوسی را حفظ کنند. کم نیستند جمله‌هایی که مترجمان می‌توانستند معادل روسی برای آن‌ها بیاورند، اما بر حفظ صورت اوسی تأکید داشته‌اند. روشن است که در ذهنیت ایشان، در صورت ترجمه این واژگان و جملات که از معادل در زبان مقصد برخوردار بوده‌اند، بار فرهنگی واژگان اوسی در فرهنگ اوستیایی بر معادل‌های روسی برتری یافته است.

نکته مهم دیگر در فرایند ترجمه به زبان روسی آن است که از سال ۱۹۵۴، زبان اوسی با الفبای سیریلیک [кириллица] نگاشته می‌شود. اتفاقی که در نظام آوایی واقعیت‌ها در ترجمه روسی روی داده آن است که مترجمان با توجه به اطلاع درونی خویش از خوانش کلمات، آن‌ها را به صورت اوسی در ترجمه روسی آورده‌اند و از روش حرف‌نگاری استفاده کرده‌اند. برای نمونه، حرف c در زبان اوسی می‌تواند صدای «س» یا «ش» داشته باشد و خواننده اوستیایی به ناخودآگاه توانایی تشخیص آوای صحیح به جای آن را در هر واژه دارد، اما مترجمان توجه نداشته‌اند که این حرف در زبان روسی فقط بر یک صدا، یعنی



«س»، دلالت دارد و از این راه تعداد بسیاری از اسامی خاص و عام در زبان اوسی که این حرف در آن‌ها صدای «ش» می‌دهد، در ذهن خواننده روس با صدای «س» ثبت شده است، نمونه: Ахсар «آهشار» در خوانش اوسی و «آخسار» در خوانش روسی؛ Ахсина «آهشینا» در خوانش اوسی و «آخسینا» در خوانش روسی. نمونه‌های بیش‌تر را در بخش توضیحات آوایی خواهیم آورد. مهم‌ترین پی‌آمد منفی چنین کاربردی بدون توجه به نظام آوایی زبان روسی، سبب شده است که نام قهرمان مثبت زن حماسه نارت‌ها از نظر آوایی با واژه Сатана [ساتانا] به‌معنای «شیطان» در زبان روسی هم‌آوا و در پس آن، بار معنایی منفی نسبت به آن اسم در ذهن خواننده روس ایجاد شود.

آوانگاری اسامی خاص پهلوانان، نام‌های جغرافیایی، و دیگر واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی آمده در متن حماسه نارت‌ها با الفبای روسی به‌دلیل تفاوت آوایی موجود در دو زبان موجب تغییرات عمده آوایی در خوانش در زبان مقصد شده است. عمده این تفاوت‌های آوایی را می‌توان در گروه‌های زیر نام برد:

۱. در همه اسامی و نام‌ها، آوای «ه» [h] در زبان اوسی به «خ» [x] در زبان روسی تغییر یافته است، مانند: Хамыц با خوانش «هامیتس» در زبان اوسی و «خامیتس» در زبان روسی. در این موارد، مترجمان با توجه به به‌کارگرفته‌شدن الفبای سیریلیک از سوی دولت شوروی برای ثبت زبان اوسی و نبودن حرف «ه» [h] در زبان روسی ناگزیر به چنین کاربردی شده‌اند؛

۲. آوای c در زبان اوسی به دو گونه، بسته به نامی که در آن آمده است، خوانده می‌شود: الف (صدای «س» [c]؛ ب) صدای «ش» [š]. نمونه: Сослан با خوانش «شُسلان» در زبان اوسی و «سُسلان» در زبان روسی. این درحالی است که آوای «ش» در زبان روسی موجود است و به‌راحتی توسط روس زبان قابل بیان است.

۳. وجود حرف صدادار Æ æ [ə/ə] در زبان اوسی که در معادل‌ها همه‌جا به‌شکل آوای «آ» [ā] آمده است. نمونه: Ахсартаг / Æхсартаг خوانش «آهشارتاگ» در زبان اوسی و خوانش «آخسارتاگ» در زبان روسی؛

۴. برخی از الفبای سیریلیک در زبان اوسی در پیوستگی با علامت سختی [ъ] در مقام پس‌آیندی، حرف الفبایی جدید را تشکیل می‌دهند. آن‌ها عبارت‌اند از: Гъ برای نمایش صدای [h]، къ برای نمایش صدای [kh]، пъ برای نمایش صدای [ph]، тъ برای نمایش صدای [th]، хъ برای نمایش صدای [q]، цъ برای نمایش صدای [ch]، чъ برای نمایش صدای [Ch]. مانند: тохъуыл / toquil «توق‌اوایل» در زبان اوسی گوسفندی را

گویند که «نان» خوراک اوست. اوستیاییان چنین گوسفندانی را چندین سال خوراک می‌دهند تا خوب فربه شوند و آن‌ها را در مراسم عروسی سر می‌برند یا به‌عنوان شیربها می‌دهند (Нарты 1991: 54)؛

۵. در زبان اوسی دو حرف ترکیبی дз و дж در آغاز الفبا وجود دارد. نمونه حرف дз را می‌توان در واژه اوسی «دزاتور» дзаур / dzaug دید که از واقعیت‌های فرهنگی در زبان اوسی و به‌معنای «مکان مقدس» و «حرم» است. نمونه حرف дж را می‌توان در نام فامیلی اوستیایی «دژوسیف» Джусоев / Dzhusoev مشاهده کرد.

در این بخش به نمونه‌هایی از اسامی خاص در حماسه نارت‌ها می‌پردازیم:

- در ترجمه روسی حماسه نارت‌ها با واژه فارسی шайтан / šaitan [شیطان] از اسطوره‌های اسلام مواجهیم (Евгеньева 1981: 698): «ای شیطان پیر. تنها او برای من باقی مانده بود. و تو او را یافتی و پیش تر از خویش به‌سوی مردگان فرستادی» (افسانه ۲۶: نارت اوروزماگ و پسر بی‌نام او)، (کاربرد «شیطان» در مفهوم ناسزا). معادل این معنا در زبان اوسی، واژه «هایراگ» [хайраг / hairag] است (Нарты 1991: 167). گفتنی است که نام قهرمان اصلی زن حماسه نارت‌ها، شَتانا (šānānā) در آوانگاری روسی سَتانا (Сатана / Catana) آمده است که در ذهنیت روسی پیش از هرچیز، به‌خطا، تدائی‌کننده «شیطان» است. در فرهنگ آکادمی علوم شوروی (چهارجلدی) آمده است که «Сатана / Catana» با ضربه بر روی آخرین واکه ۱. در برخی مذاهب روح پلیدی و آغاز زشتی خوانده شده است که در مقابل خداوند قرار می‌گیرد که حاکم جهنم و شیطان (дьявол) است. ۲. صورت مذکر و مؤنث آن برابر است و در مفهوم ناسزا به‌کار می‌رود» (Евгеньева 1984: 29). مترجمان علی‌رغم این‌که هر دو به زبان روسی و اوسی، یعنی زبان‌های مبدأ و مقصد ترجمه، در سطح زبان مادری تسلط داشته‌اند، به این نکته توجه نکرده و آوانگاری نام قهرمان «مثبت» حماسه ملی نارت‌ها را با صورت آوایی آورده‌اند که تدائی‌کننده مفهومی «منفی» در ذهنیت خواننده روس است. احتمالاً پیش‌ازهرچیز، پیروی از قانون حرف‌نگاری یک‌سان در برگردان تمامی اسامی اوسی به روسی موجب چنین خطای زبانی شده است.
- مقصود از «آهشینا - آفشینا» [Ахсина-Афсина / Ahšina-Afšina] خانم صاحب‌خانه است و آن همان شَتانا است (Нарты 1991: 164): شَتانای نارت‌ها - آهشینا - آفشینا - همسر آرازماگ بود (افسانه ۱۴). شَتانا و بالس آرازماگ).

مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها ... (مریم شفق) ۱۸۵

- اوریزماگ نام همسر شتانا، نخستین مرد و پهلوان نام‌دار نارت به سه صورت آوایی در متن اوسی و ترجمه روسی در روایت‌های مختلف آمده است. گفتنی است صورت نخست از بسامد کاربردی بالاتری نسبت به دو گونه آوایی دیگر در روایت‌ها برخوردار است:

اوریزماگ	اوروزماگ	أروزماگ
[Урызмаг / Urizmag]	[Урузмаг / Uruzmag]	[Орузмаг / Oruzmag]
(۱)	(۲)	(۳)

- نام دو پهلوان نام‌دار حماسه نارت‌ها، برادران دوقلو، «آهشار» و «آهشارتاگ»، پسران اوریزماگ و شتانا با سه گونه آوایی هم‌آوا شنیده می‌شود. در توضیح آوایی نام اول آمده است: در بازگفت‌های مختلف افسانه‌های نارت‌ها، صورتی قانون‌مند و کامل از نام «هشارت» را می‌یابیم [با واژه اوستایی xšadra و با واژه سنسکریت ksatra مقایسه کنید]؛ در بازگفت‌های دیگری t آخر حذف می‌شود: آهشار Ahšar / Ahšar؛ و گاه به همراه n غیرمتداول می‌آید: آهشنارت Ahšnart / Ahšnart (Нарты 1991: 9):

خوانش آسی	آوانگاری آسی	خوانش روسی	صورت روسی
آهشار	Ahšar	آخشار	Ахсар
آهشارتاگ	Ahšartag	آخشارتاگ	Ахсартаг
هشارت	Hšart	خشارت	Хсарт
هشارتاگ	Hšartag	خشارتاگ	Хсартаг
آهشنارت	Ahšnart	آخشنارت	Ахснарт
آهشنارتاگ	Ahšnartag	آخشنارتاگ	Ахснартаг

- تنوع آوایی نام پهلوان نارت، «شُسلان» در متن به گونه‌های زیر است:

خوانش آسی	آوانگاری آسی	خوانش روسی	صورت روسی
شُشیریکو	Šoširiko	سُشیرکو	Сосырыко
شُژیریکو	Šožiriko	سُژیرکو	Созырыко
شُسریکو	Šošriko	سُسریکو	Сосрыко
شُشزیریکو	Šožriko	سُشزیرکو	Созрыко
شُسلان	Šošlan	سُسلان	Сослан

دگرگونی اسم پهلوان آب‌دیده نارت، «شوبالتس» و «باتراز» در حماسه نارت‌ها به شکل زیر است:

«شوبالتس»:

Цыбалц	تسیبالتس	Cibaltc	سیبالتس
Субалцы	سوبالتسی	Šubaltci	شوبالتسی
Субалц	سوبالتس	šubaltc	شوبالتس

«باتراز»:

Батраз	باتراز	Batraz	باتراز
Баградз	باترادز	Batradz	باترادز

نمونه‌های بالا مثال‌هایی بودند از گونه‌های مختلف آوایی اسامی خاص حماسه نارت‌ها در زبان‌های روسی و اوسی. این تنوع آوایی اسامی خاص طبق روایت راویان مختلف در سراسر حماسه در غالب اسامی خاص دیده می‌شود و کم‌تر اسمی است که به سبب خوانش‌های متفاوت راویان مختلف با توجه به گویش‌های مختلف اوسی، ابرونی و دیگوری، چنین گوناگونی را به خود ندیده باشد.

اما مواردی از اسامی خاص را می‌توان در متن یافت که تغییرات آوایی چشم‌گیری در انتقال از زبان اوسی به روسی نداشته‌اند؛ نمونه: «آگوندا» [Агунда / Agunda]؛ «گوری» [Гори / Gory].

تحت تأثیر فرهنگ مردم روسیه و از آن‌جا که این مجموعه در زمان اتحاد جماهیر شوروی گردآوری شده است، در یک مورد، تغییر نام خاص پهلوان نارت به نامی مذهبی در فرهنگ روسی مشاهده می‌شود: نام «گیورگی مقدس» [Георгий / George] در پیوست افسانه «آهشنارت و فرزندان او» به جای نام اوآستیرژی [Уастырджи / Uasterdži] / اوآستیرگی [Уастерги / Uastergi] (مردی سوار بر اسب سه‌پای بال‌دار که «حامی مردان و مسافران» است) آمده است (Нарты 1991: 11).

از دیگر مفاهیم در بردارنده واقعات‌های تاریخی و فرهنگی آمده در حماسه نارت‌ها که معادلی در زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر ندارند، باید به موارد زیر اشاره کرد:

- «خُدی» [хъоди / xodi]: رسمی بسیار متداول در قفقاز برای طرد کردن فردی از طایفه و جامعه به خاطر رعایت نکردن هنجارهای احترام است (Нарты 1991: 110): نارت‌های بزرگ تصمیم گرفتند: «از سوزاندن هیزم از درخت توسا خسته شدیم. حال هرکه صبح زود برخیزد و راهی تاگار - تاپان [Тагар-Тапан] برای آوردن هیزم از درخت بلوط نشود، خُدی بر او اعلام خواهد شد» (افسانه ۱۲۷: روبه سیاه نارت‌ها).

- «فیشیم» [Фысым / fišim]: کسی را گویند که پذیرای میهمان است (Нарты 1991: 9): «این آن خانه بُرا [که پیش‌تر بود] نیست، و چنین جوانان [نام‌داری]، چون شما، به دیدار او آمده‌اید، می‌توانید نزد هریک از ما میهمان شوید. هریک از ما برای شما فیشیم هستیم» (افسانه ۸: اوریزماگف هامیتس و شتانا).

- «آتالیک» [аталык / atalik]: پسر بچه‌ای را گویند که برای تربیت مدت معینی به خانواده دیگری از دوستان پدر یا خانواده‌ای با ملیت دیگر می‌دهند. آن سستی متداول در قفقاز بوده است: «این آتالیک شما، ناصیران - آلداری بود که در پی جنگ‌جو می‌گشت» (افسانه ۱۰۶: ناصیران - آلداری).

- «آلای» [Алай / Alai]: ترانه مراسم عروسی را گویند (Нарты, 1991: 110): مردمان در این معجزه گرد آمدند و از آن‌جا بر دختر زیبای آواریا برای بار دوم «آلای» سرودند (افسانه ۱۲۷: روبه سیاه نارت‌ها).

- خادتولگائوآردن [хадтулгауардон / xadtulgaurdon]: در ادبیات فولکلور اوستیا «ارابه پرنده» را گویند (Нарты 1991: 169): (نوگای‌ها عروس را) برداشتند و بر خادتولگائوآردن نشانند و بردند (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاه‌زاده نارت - ناصران - آلداری).

- در برگردان روسی متن، مترجمان در دو مورد از افعال غیرروسی در متن روسی استفاده کرده‌اند:

(۱) فعل «جیگیتوت» [джигитовать / dżigitovat]: این فعل در زبان روسی وجود ندارد و آن حاصل ترکیب اسم ترکی «جیگیت» [джигит / dżigit] در معنای «جوان» و پس‌وند مصدری فعل روسی -овать است. «جیگیت» در آسیای میانه و قفقاز سوارکارانی را می‌گفته‌اند که به دلاوری شهرت داشته‌اند: مادرم، من چگونه بر اسب خود جیگیتم و چگونه دیده می‌شوم؟ (افسانه ۱۰۶: ناصیران - آلداری).

(۲) فعل اوسی «آخُدین» [axodyn / axodin]: معنای این فعل عبارت است از ۱. چشیدن و ۲. طبق رسوم، پس از خواندن دعای بزرگ‌تر، رفتن و از دست خواننده دعا پیراشکی و شیشلیک را گرفتن و کمی از آن را چشیدن و سپس جرعه‌ای نوشیدنی را نوشیدن. این کار را در اوسی «آخُدین کردن» می‌خوانند (Нарты 1991: 164). این فعل به همین صورت در متن روسی وارد شده است:

و وقتی من دعای کوود را به خداوند و دزاورهای دزاور\* مقدس محبوب او به پایان می‌رسانم، پیراشکی گوشت ران گوسفند و جامی از نوشیدنی تازه داماد برای چشیدن

خواهم داد. پس تو سعی کن همه را در دستان خود گیری و آخ‌دین کنی (افسانه ۱۰۶: پیوست. درباره شاهزاده نارت - ناصران - آلدان).

برای برخی واژگان، علی‌رغم آن‌که مترجمان می‌توانسته‌اند از معادل روسی مناسب استفاده کنند، به کاربردن واژگان اوسی را ترجیح داده‌اند: «هیشتار» [хистар / hištār] / «کاشتار» [кастар / kaštār] از آن جمله‌اند؛ اولی در معنای «بزرگ‌تر در سن» و دومی در معنای «کوچک‌تر در سن» است. برای این واژگان مترجم به جای معادل‌های برابر «بزرگ‌تر» و «کوچک‌تر» ترجیح داده است از اصل واژگان اوسی در متن روسی استفاده کند:

وقتی ما می‌رسیم و کنار دروازه خانه عروس متوقف می‌شویم، آن وقت من سوی پیری ریش سفید می‌روم وقتی نوگای‌های سیاه‌چرده از ما چون میهمان استقبال کنند و سخن زیبای مرا بشنوند، آن وقت آنان مرا در عروسی در جایگاه احترام، در صدر تمام ردیف‌ها چونان هیشتار پیر نارت خواهند نشانند (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصران - آلدان)؛

«و تو چون کاشتار از نشستن خودداری کن، هرچه آنان، نوگای‌ها، از تو خواهش کنند» (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصران - آلدان). در این موارد، او از برگردان واژگان دارای معادل در زبان روسی خودداری و درباره آن‌ها به‌عنوان واقعیت‌های فرهنگی از معادل‌های زبان اصلی استفاده کرده است. علت این امر را می‌توان در اهمیت مفهوم احترام و توجه به سلسله‌مراتب سنی در میان قوم نارت دانست. در جلد سوم *حماسه نارت‌ها* تعریف «کاشتار» چنین آمده است:

کاشتار خردتر در سن را گویند. او نباید در پیش [بزرگ‌تران] و یا در یک ردیف با بزرگ‌تران بنشیند. اما [باید] سر پا بایستد. بابت این کار او جامی نوشیدنی و تکه‌های گوشت گوسفند و یا خوراک دیگری که به بزرگ‌ترها داده می‌شود، دریافت می‌دارد (Нарты 1991: 91).

مترجمان در روند ترجمه هم‌چنین از واژگان منسوخ، که از دیگر زبان‌ها وارد زبان روسی شده‌اند، بهره می‌گیرند. برای نمونه، واژه «بیوآک» [Бивак, бивуак] که از واژه آلمانی Bivak و صورت فرانسوی bivouac در معنای «محل استقرار مردمان برای استراحت و شب‌نشینی خارج از مکان‌های اسکان» آمده است (Захаренко 2008: 128): «کاشتارها رسیدند و در مکانی نزدیک بیوآک آتساماز متوقف گشتند» (...). (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصران - آلدان).

معیارهای اندازه‌گیری امروزه دچار پدیده جهانی شدن [глобализация] شده‌اند؛ اما در گذشته این واحدها ویژگی‌های اندیشه مردمان مختلف در خصوص واحدهای اندازه‌گیری در بر داشته‌اند. از این‌رو، واحدهای اندازه‌گیری قدیمی در میان هر مردمی از واقعیت‌هایی به‌شمار می‌آیند که به‌علت ترجمه‌ناپذیری به‌صورت حرف‌نگاری در زبان مقصد وارد می‌شوند.

اما در متن ترجمه روسی حماسه نارت‌ها، معیارهای اندازه‌گیری جای خود را به معیارها و معادل‌هایی با سبک کلامی منسوخ در زبان روسی داده‌اند، مانند: «پیاد» [пядь / piad] که فاصله میان انگشت شصت و انگشت اشاره است و برابر است با ۷۸/۱۷ سانتی‌متر؛ یک آرنج [локоть / lokot] برابر است با ۴۵ سانتی‌متر یا شش کف دست؛ و کف دست [ладонь / ladon] برابر است با ۷/۵ سانتی‌متر؛ «آرشین» [аршин / aršin] از سرشانه تا نوک انگشتان را گویند و برابر است با ۷۱/۱۲ سانتی‌متر.

«سازین» [сажень / sažen] واحد اندازه‌گیری در روسیه قرن هفدهم است و عبارت است از نوک انگشتان دست در حالت باز در پهنای شانه تا نوک انگشتان پای قرینه و تقریباً برابر است با هفت فوت یا ۲۱۳/۳۶ سانتی‌متر.

در متن ترجمه، مقادیر اندازه‌گیری دارای بار فرهنگی مبدأ نیز به‌چشم می‌خورند: «گد گرجی» [грузинский код] با ظرفیت جاگیری کمی بیش‌تر از «ربع روسی» [четверик] است. Четверик «ربع» میزان اندازه‌گیری است که در قرن‌های پانزدهم تا بیستم برای اندازه‌گیری حجم‌های مایع و روان در روسیه متداول بوده است و برابر با ۶۴ پوند [фунд] آب مقطر در دمای 131/3 R مقیاس رومیر [Градус Реомюра] است.

- آن دسته از واقعیت‌های زبانی که به اصوات مربوط می‌شوند در متن ترجمه روسی به همان صورت اوسی باقی مانده‌اند:

- А, уаххай, гье, - сказал, - как же я ошибся!

[\_آ، اوآخخای هی \_ او گفت \_ من چه اشتباهی کردم!] (Нарты 1989: 113).

уаххай, гье در زبان اوسی صوتی برای بیان «افسوس و حسرت» است (Нарты 1991: 30).

- Брысь! Чья ты, тому будь не впрок, дай мне спать!

[\_ بریس! از آن‌که هستی به درد او هم نمی‌خوری. بگذار من بخوابم!] (Нарты 1989: 41).

брысь [بریس] در زبان اوسی صوتی است برای دورکردن گربه معادل «پیشت» در زبان فارسی.

صوت Гье мардзæзгæ [هی ماردزازتا] را مترجمان ترجمه‌پذیر ندانسته‌اند؛ و در توضیحات آورده‌اند آن در معنای فراخواندن به عمل و یک ندای جنگی است (Нарты 1991: 27). المیرا گوتیوا، زبان‌شناس زبان اوسی، آن را برابر با عبارت «هی، بیرون بیایید!» می‌خواند.

در ابعاد بزرگ‌تر زبانی در متن ترجمه حماسه نارت‌ها می‌توان به واقعیت‌هایی اشاره کرد که به مقوله عبارت‌های ثابت زبانی، اصطلاحات، تعبیرات، و ضرب‌المثل‌ها اختصاص دارند. در این جا شیوه برخورد مترجمان در ترجمه این مقوله‌ها را ارزیابی می‌کنیم:

- عبارت лæг-сырд در افسانه ۱۰۶ به صورت اوسی در ترجمه روسی آمده است که برای خواننده روس فاقد معناست. در توضیح آن در جلد سوم آمده است که واژه عبارت است از «انسان وحش»: лæг در معنای «انسان» و сырд (شیرد) در معنای «حیوان وحشی» است (Нарты 1991: 92).

- در درون متن ترجمه روسی، جمله اوسی زیر دیده می‌شود:

Oy, mæ hædzar hærxælnyr kuly fækodta (Нарты 1989: 322).

و آن در معنای زیر است: «ای، خانه من دست آخر خراب شد!» (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصران - آلداری [و آتساماس - پسر آتسا]) در توضیح آن در جلد سوم آمده است که این جمله را همواره اوستیاییان در زمان زاری برای ازدست‌رفتگان بر زبان می‌آورند (Нарты 1991: 92).

- از اصطلاحات بی‌معادل که به روش ترجمه واژه‌به‌واژه به زبان روسی برگردانده شده‌اند، اصطلاح اوسی «شب برای ایشان به روز نمی‌رسد» (От переживания они не засыпают по ночам.) است که معنای آن این است که آنان شب‌ها از غم و غصه خوابشان نمی‌برد (Нарты 1991: 101): «گریان بر من، دو مادر بی‌چاره من و پدر پیرم [بر روی زمین] مانده‌اند و چیزی ندارند که از آن مراسم یادبود برپا کنند. و از این چنان غصه می‌خورند که شب برای ایشان به روز نمی‌رسد» (افسانه ۱۲۰: آلمیگ، پسر آلمیگ).

از دیگر مصادیق واقعیت‌ها در هر زبانی ضرب‌المثل‌های آن است. ضرب‌المثل‌ها در میان هر ملتی بیان‌گر ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی شکل‌دهنده اندیشه و ذهنیت آن مردمان‌اند. در جلد دوم و سوم حماسه نارت‌ها ضرب‌المثل‌های زیر آمده است:



مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها ... (مریم شفق) ۱۹۱

ترجمه روسی	ترجمه فارسی	متن اوسی
Гость замечает все неполадки (Нарты 1989: 7).	(۱) میهمان تمامی دور و بر را زیر نظر گرفت.	-
Упрек у осетин – на два дня (Нарты 1989: 37).	(۲) سرزنش نزد اوسی‌ها دو روز دوام دارد.	-
Подобно Алди лопнул (-а) от злости (Нарты 1991: 11).	(۳) مثل آلدا از خشم ترکید.	æлдийау фæтътъæпп æй.
Когда у турок угнали табуны, то они тогда только и завели табунщиков (Нарты 1991: 92).	(۴) وقتی رمه‌های ترکان را دزدیدند، تازه آنان به فکر استخدام چوپان افتادند.	-

در نمونه‌های فوق، مترجمان در برگردان ضرب‌المثل‌ها از شیوه ترجمه واژه‌به‌واژه بهره گرفته‌اند و معادل اوسی آن را نیاورده‌اند. لیکن در مورد (۳) ضرب‌المثل به اوسی آمده است.

- در سرتاسر حماسه نارت‌ها می‌توان صورت‌هایی از ترجمه واژه‌به‌واژه فرمول‌های کنش‌های گفتاری «سلام»، «خوش آمدگویی»، «احوال‌پرسی»، و «خداحافظی» را دید. از واژگانی (واقعیتی) که به فراوانی در فرهنگ اوسی در این موقعیت‌های کلامی استفاده می‌شود، می‌توان از «فارن» [фарн / farn] نام برد و که در زبان اوسی یک اصطلاح فرهنگی ایرانی در معنای خوش آمدگویی و آرزوی رفاه عالی است (Нарты 1989: 9). «فارن» در معنای خوش‌بختی همگانی، فراوانی، صلح و سلامت و بهزیستی (Гуриев 2015: 569). نمونه:

Фарн вашему дому и да будет ваше утро хорошим!

[فارن بر خانه شما و صبح شما نیک باد!] (Нарты 1991: 21).

#### ۲,۴ واقعیت‌های زندگی گروهی در متن حماسه نارت‌ها

از ویژگی‌های ساختاری حماسه نارت‌ها باتوجه به بافت تاریخی متن، زندگی گروهی نارت‌هاست که نمادهای واژگانی دال بر آن در متن عبارت‌اند از: نیکخاس [Ныхас / Nikhas]، میدان بازی‌ها [Площадь игр]، سیمد [симд / simd]، خانه عمومی نارت [Общепартовский дом]، بالس [балс / balc] و فاندیر [Фандыр / fandir]:

- «نیکخاس» [Ныхас / Nikhas]: گردهمایی و نشست‌های گروهی برای نارت‌ها مهم بوده است و از همین روی است که مردان و بزرگان آنان در سراسر افسانه‌ها در محلی

که «نیخاس» خوانده می‌شده است، گرد هم می‌آمدند و درباره مسائل مهم گفت‌وگو می‌کرده‌اند (Гуриев 2015: 567).

- «میدان بازی‌ها» [Площадь игр]: «میدان بازی‌ها» یا «تپه بازی‌ها» [Холм игр] (Нарты, 1991: 170) در سراسر متن حماسه نارت‌ها جزء ثابت افسانه‌ها به حساب می‌آید. نقش میدان بازی‌ها کم‌تر از خود پهلوانان آن نیست. پهلوانان در آن مکان است که نقش می‌یابند. غالب موضوعات افسانه‌ها وابسته به مکان است. زورآزمایی، رقص و بازی پهلوانان نارت در میدان بازی‌ها انجام می‌شود. در زیرنویس ۲ افسانه ۳۷ «نارت شُشلان در جست‌وجوی نیرو» آمده است که «میدان بازی‌ها» میدانی است که در آن جوانان نارت کشتی می‌گیرند، تیراندازی می‌کنند و می‌رقصند (Нарты 1991: 26). از میدان بازی‌ها هم‌چنین با نام خاص «زیلاخار - بیدیر» [Зилахар-быдыр / Zilaxar-bidir] یاد شده است. از این واقعیت در زندگی عمومی نارت‌ها با دو روش ترجمه جزء‌به‌جزء «میدان بازی‌ها» و حرف‌نویسی Зилахар-быдыр [زیلاخار - بیدیر] استفاده شده است.

- «سیمد» [симд / simd]: از دیگر نمادهای زندگی گروهی نارت‌ها رقص ملی آنان، سیمد است. سیمد در میدان بازی‌ها در دشت زیلاخار برگزار می‌شده است. رقص برای مردان نارت تفریحی ساده نیست و از ظرافت بسیار برخوردار است. چنان‌که آنان در سیمد، مهارت‌ها و برتری‌های خود بر دیگران را به رخ می‌کشیدند: بر لبه میز و بر لبه شمشیر چونان می‌رقصیدند بی‌آن‌که از حرکات ایشان چیزی از روی میز بر زمین بریزد. سیمد نمادی است از زورآزمایی مردان نارت.

- «خانه عمومی نارت» [Общепартовский дом]: خانه عمومی نارت منزلی است که نارت‌ها آن را با هم‌اندیشی و همکاری یک‌دیگر برای گردهمایی‌های خویش بنا کردند (Нарты 1991: 74) و پس از آن‌که ساخت آن به‌تمام رسید، نظر شیردن را درباره کامل بودن آن جويا شدند. این‌جا مکانی مهم برای گردهمایی‌های نارت‌هاست و به‌همین سبب، بی‌عیب و نقص بودن آن برای آنان بسیار مهم است. این خانه به‌حدی برای آنان مهم است که موضوع افسانه «۶۳» بدان اختصاص یافته است: «نارت‌ها خانه‌ای عمومی ساختند» [Нарты строили общепартовский дом].

- «بالس» [балц / balc]: والس واژه‌ای اوسی است در معنای «جهان‌گردی». بالس از پی‌مایه‌های فرهنگی تاریخی مردم نارت است. پهلوانان نارت اغلب برای سفر یا

مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها ... (مریم شفق) ۱۹۳

شکار، به‌تنهایی یا گروهی، به بالسهایی بلندمدت (بالس یک‌هفته‌ای یا بالس سالانه) و دور از نظر مسافت می‌رفتند و رفتن به بالس جزئی از زندگی پهلوانان و مردان نارت بوده است. آنان در بالس با دیوان می‌جنگیدند و رمه اسبان و گوسپندان به‌دست می‌آوردند. شکار گوزن در بالس مایه غرور مردان نارت بوده است.

– «فاندیر» [Фандыр / fandır]: فصل بیست‌ودوم، یعنی «چگونه شیردن گاو‌هامیتس را ربود و چگونه فاندیر دوازده تار نزد نارت‌ها پدید آمد» [Как Сырдон украд ] [коровуХамыца и как у нартов появился двенадцатиструнный фандыр. افسانه‌های محبوب اوستیاییان به حساب می‌آید. بخشی از افسانه‌های این گروه ترکیبی از چندین رویداد و دارای پی‌میه‌های متفاوتی است که در یک روایت حماسی گرد آمده‌اند که از نظر منطقی کامل می‌نماید. برای مثال، «تولد شیردن» [Рождение Сырдона] و «چگونه نارت‌ها خانه عمومی نارت را ساختند». در دیگر افسانه‌هایی که این رویداد و واقعه را روایت می‌کنند، موضوع ربودن گاو و انتقام شیردن در آن‌ها برتری می‌گیرد: «درباره ربودن گاو از نارت‌هامیتس» [О краже коровы у нарта Хамыца]، «درباره ربودن گاو اوریزماغ» [О воровстве у Урызмага коровы] و غیره. در گونه‌ها، ربودن گاو موضوعی مستقل است و پی‌مایه اصلی را شکل می‌دهد و علت آن قحطی در نارت یا دشمنی شیردن با هامیتس است.

فاندیر در کانون توجه افسانه «هلاکت خانواده شیردن» [Гибель семьи Сырдона] قرار دارد. در آن افسانه روایت شده است که چگونه شیردن آرفای استادانه دوازده تار را از استخوان‌شانه‌های پسران کشته‌شده‌اش می‌سازد و گیسوان مادر را بر آن می‌کشد» (Нарты Т. 3: 52). متن چاپ‌شده منحصر به فرد است. این کامل‌ترین صورت افسانه‌هایی است که راوی مشهور، کودزی جوسویف [Кудзы Джусоев]، نگاشته است. در این افسانه، سه موضوع: ۱. تولد شیردن، ۲. ربودن گاو هامیتس، و ۳. پدیدار شدن فاندیر نزد نارت‌ها ترکیب شده است. هر موضوع از موضوع دیگر نشئت می‌گیرد. علاوه بر آن، بار احساسی در به‌هلاکت رسیدن کودکان شیردن که در دیگ پخته می‌شوند و با یک پایان غم‌انگیز، ناله شیردن بر پسرانش و ساخت فاندیر توسط او پایان می‌یابد. در پایان افسانه، شیردن به نمادی روشن و تراژیک تبدیل می‌شود که موجب احترامی غیرارادی برای او نزد نارت‌ها می‌شود. و بر همین اساس است که نارت‌ها از آن پس او را در میان خود می‌پذیرند و برادرش می‌خوانند (Нарты 1991: 52).

## ۵. نتیجه‌گیری

مترجمان «نارت‌ها»، آ. آ. دزانتیف، و ت. آ. هامیتسایوا، در برگردان متن اوسی به روسی کوشیده‌اند پدیده‌ها و واقعیت‌های نمایان‌گر مفاهیم فرهنگی زندگی مردم قفقاز را تا حد امکان در شکل و صورت اوسی خود در متن مقصد حفظ کنند. در این راه، نظام حرف‌نگاری بر آوانگاری آن مفاهیم اولویت داشته است که خود حاصل و نتیجه تأثیر الفبای سیریلیک است که هر دو زبان اوسی و روسی به آن نگاشته می‌شوند. برتری حرف‌نگاری بر آوانگاری در روند ترجمه متن موجب تغییرات آوایی اسامی اوسی در زبان روسی شده است. نگارنده این پژوهش معتقد است الفبای سیریلیک توانایی انتقال آواهای اوسی را ندارد. زبان اوسی، که شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است، آواهایی از جمله «ق» و «ه، ح» در خود دارد که زبان روسی فاقد آن است. حرف سیریلیک c، که در زبان روسی فقط با آوای «س» شناخته می‌شود، در زبان اوسی از دوگانگی خوانش «س» و «ش» برخوردار است و گویشور اوسی بی‌هیچ دشواری با توجه به واژه‌ای که این حرف در آن آمده، آن را تمیز می‌دهد. آوای «آ» در زبان روسی وجود ندارد و در همه جا گونه «آ» که معادل حرف a در زبان روسی است شنیده می‌شود و کشیده و کوتاه‌بودن این واج را در واژه نمی‌توان تمیز داد.

حفظ ساختار اجتماعی و نمادهای بیان‌گر بافت فرهنگی نارت‌ها برای مترجمان اولویت داشته و ایشان کوشیده‌اند در جای‌جای ترجمه آن را با وارد ساختن صورت اوسی اصوات، ضرب‌المثل‌ها و حتی جملات کامل حفظ کنند. از همین روی، ضرورت تدوین جلد سوم نارت‌ها شامل توضیح و توصیف واژگان و مفاهیم و ... لازم به نظر می‌رسد و ارزش علمی بیش‌تری خواهد داشت.

## کتاب‌نامه

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۸)، «نارت‌نامه و شاهنامه»، مجموعه مقالات همایش علمی بین‌المللی میراث تاریخی ایران در اوستیا، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

Берсиров Б. М., Анисек С.Х (2018), Некоторые диалектные особенности текстов адыгского, героического эпоса «Нарты», Языкознание, №. 6.

Бурова Е. А. (2017), Перевод реалий в научно-художественной литературе (на материале романа-биографии С. Б. Смит «Королева»), Тульский государственный педагогический университет, Российский гуманитарный журнал, Том 6. №.5.

- Вяткин Д. С. (2017), К вопросу о переводе реалий (на материале поэмы А. Т. Твардовского «Василий Теркин»), Актуальные вопросы филологической науки XXI века: материалы VI Международной научной конференции молодых ученых. — Часть 1: Современные лингвистические исследования. — Екатеринбург: Издательство УМЦ-УПИ, 2017. — С.
- Гуреева А.Ю (2016), Проблемы перевода имен собственных в текстах жанра фэнтези на материале романов Дж.Роулинг «Гарри Поттер» и их переводов на русский и французский языки, Вестник Волгоградского государственного университета, Серия 9: Исследования молодых ученых, .
- Жилетежев Х.Ч, Бухуров М.Ф. Отражение общественно-политической лексики в нартском эпосе // Современные проблемы науки и образования. – 2015. – № 2-2.;
- Захаренко Е.Н, Комарова Л.Н, Нечаева И.В (2008), Новый словарь иностранных слов: свыше 25000 слов и словосочетаний.-М.: ООО Издательский центр «Азбуковник». 1040 С.
- Латыпова Л.Ч (2016), Перевод русской безэквивалентной лексики на английский язык (на материале перевода романа М.Булгакова «Мастер и Маргарита»), Доклады Башкирского университета, Том 1. № 2.
- Нарты. Осетинский героический эпос в трех книгах. (1989), Книга 2. М.: Наука. Главная редакция восточной литературы (эпос народов СССР).
- Нарты. Осетинский героический эпос в трех книгах (1991), Книга 3. М.: Наука. Главная редакция восточной литературы.-(эпос народов СССР)
- Орел М.А. (2008), Новое в переводе имен собственных (на материале газетных заголовков). Филологические науки. Вопросы теории и практики. Московский государственный университет им. М.В.Ломаносова. Тамбов: Гламота, № 1., Ч. 2, с. 75-80.
- Под ред. Гуриева Т.А. (2015) Осетинско-русско-английский словарь. Том 2. Владикавказ: ИПЦ СОИГСИ ВНИЦ РАН и РСО-А. .
- Под ред. Гуриева Т.А (2013), Осетинско-русско-английский словарь. Часть 1. Владикавказ: ИПЦ СОИГСИ ВНИЦ РАН и РСО-А, 2013.
- Под редакцией Евгеньевой А.П (1984), Словарь русского языка: в 4-х т. АН СССР, институт русского языка.-М.: Русский язык. Т. 4, С-Я.
- Плешков Е.С (2017), Значение имени собственного как лингвистическая проблема. Южно-Уральский университет. Челябинск. Вестник ЮУрГУ. Серия «Лингвистика». Т. 14, № 3.
- Седова Е. Р (2017), Проблемы перевода культурных реалий (на материале художественных произведений), Дипломная работа по специальности «перевод и переводоведение», Южно-уральский государственный гуманитарно-педагогический университет, Челябинск.
- Тугузов Г.Т (2018), Богатство адыгского нартского эпоса фразеологизмами. Журнал «Мир науки, культуры, образования».-№ 4 (71)..
- Шум О.В (2014), Особенности перевода собственных имен в контексте идиостиля переводчика (на материале романа О.Гончарова «Собор» и его переводов), Вестник Чувашского государственного педагогического университета им. И.Я. Яковлева.

- Щеглова Н.В (2014), Специфика перевода реалий (на материале английской художественной литературы), Историческая и социально-образовательная мысль. № 5—.
- Этезова Л.С (2008), Особенности языка и стиля карачаево-балкарского нартского эпоса, Диссертация на соискание ученой степени кандидата филологических наук, специальность: языки народов Российской Федерации (Тюркские языки).-Нальчик